

سیاست‌های توسعه و آینده کشاورزی از دو نگاه

## ■ بخش کشاورزی؛ چشم انداز چالش‌های فردا

با نظراتی از:

\* آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون امور کشاورزی و عمران روستاها  
\* آقای دکتر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

اشاره:

بخش کشاورزی در برنامه اول در ارتقاء بهره‌برداری از ظرفیتها، گامهای بلندی برداشته است. اگر قرار باشد روند موجود را حفظ کنیم، باید به ایجاد ظرفیتهای جدید پردازیم. این معنی، در خود، ضرورت «رشد ساختاری بخش» را مطرح می‌سازد. باید مؤلفه‌های ساختاری اساسی بخش را بازساخت و با برنامه‌ریزی دقیق، در آن جهت گام برداشت. تمامی اینها آینده‌ای مشحون از چالش‌های سخت را برای بخش کشاورزی علامت می‌دهد و لاجرم برای این «آینده»، باید «سناریوهایی» محکم نگاشت و «مردان صحنه» را بیش از پیش تجهیز نموده و حمایت کرد. این فکرها، محورهای اصلی گفت و شنود با آقایان خداکرم جلالی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی و دکتر عیسی کلانتری وزیر کشاورزی را تشکیل داد. حاصل را بانفاق می‌خوانیم:

□ اگر بخش کشاورزی را به دو بخش ساختاری و شکلی تقسیم کنیم، به نظر شما در یک تعریف موجز، مولفه‌های ساختاری بخش کدام است؟ به نظر شما برنامه‌ها تا چه حد در مولفه‌های ساختاری موفق بوده است؟

آقای خداکرم جلالی، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس: مولفه‌های ساختاری بخش را می‌توان در ابعاد نظام بهره برداری، نیروی انسانی، اعتبارات و سرمایه‌گذاری خلاصه کرد، البته برای ارزیابی توفیق یا عدم توفیق بخش ابتدا باید اهداف و اصلاحات موردنظر در هر یک از این بخشها را بشناسیم.

نظام بهره‌برداری، طی برنامه اول تغییر قابل توجهی نداشته است زیرا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، غیر از قانون کشت موقت، برنامه‌ای برای تغییر این نظام و مسائل مربوط به زمین مطرح نشد و به نظر می‌رسد که وضعیت مالکیت به شکل کنونی تثبیت شده باشد. حدود ۸۰ درصد کشاورزان کشور دهقانان خرده‌پا و اغلب خودمصرف هستند که برای تولید، هزینه‌های فراوانی را نیز متحمل می‌شوند. زمینی که در اختیار این بخش از کشاورزان قرار دارد، به طور متوسط زیر ۱۰ هکتار است و میزان بهره‌برداری آنانی که کمتر از ۵ هکتار زمین دارند، حدود ۶۵ درصد است. این مسأله در واقع بیان‌کننده ضرورت تطبیق، هماهنگی و تناسب سیاستهای

کشاورزی با ساختار زمینداری و نظام بهره‌برداری از زمین در بخش کشاورزی است. البته برای افزایش میزان بهره‌وری و راندمان تولید در این نظام بهره‌برداری - که نظام غالب در تولید بخش کشاورزی است - می‌توان از طریق تشکیل تعاونیها و یکپارچه سازی اراضی به نتایج خوبی دست یافت. عملکرد تعاونیهای تولیدی طی برنامه اول در کشور، بیانگر موفقیت تغییر در نظام دهقانی است.

در ساختار نیروی انسانی می‌توان دو گروه مشخص را ذکر کرد.

الف: نیروهای تخصصی و کارشناسان و کادر اجرائی در بخش دولتی.

ب: کشاورزان کشور که به طور مستقیم درگیر کار تولید هستند.

حدود ۱۰ درصد نیروهای دولتی مرتبط با بخش کشاورزی کشور - اعم از وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی - کسادر متخصصان این بخش را تشکیل می‌دهند که نسبت بسیار نامتناسبی است. بر اساس آمار سازمان برنامه و بودجه کمتر از ۳۰ درصد نیروهای تحصیلکرده مرتبط با بخش کشاورزی به طور مستقیم در این بخش

در کشور در سالهای ۶۷ الی ۶۹ به ترتیب ۲۱/۵٪، ۱۸/۷٪، ۱۹/۲٪ و در مقابل نسبت ارزش ستانده‌های بخش (ارزش ناخالص تولید) به ستانده‌های کل فعالیتهای اقتصادی کشور به ترتیب ۲۲/۳٪، ۲۳٪ و ۲۱/۵٪ می‌باشد در حالیکه بخش صنعت و معدن با دریافت ۲۹/۷٪ و ۳۰/۹٪ و ۳۳/۳٪ از کل داده‌های کشور در سالهای ۶۷ الی ۶۹، حدود ۲۶/۴٪ و ۱۷/۳٪ و ۱۹/۲٪ از ستانده کل فعالیتهای اقتصادی کشور را ایجاد نموده است. این در حالیست که مقایسه تطبیقی سرانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی بخش کشاورزی و سایر بخشهای طی سالهای ۶۹ - ۶۷ بازگویی آنست که سرانه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی حدود ۲۰٪ سرانه سرمایه‌گذاری در سایر بخشهای اقتصادی است. همچنین نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل، موید این مطلب است که میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخشها اندک و نازل است. این نسبت در دوره زمانی ۶۹ - ۶۷ در بخش کشاورزی ۳/۲٪ و در مقابل سایر بخشها ۱۶/۵٪ بوده است.

لازم به ذکر است که طی سالهای ۶۸ و ۶۹ برای ایجاد هر فرصت شغلی به طور متوسط به ۳/۵ میلیون ریال سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت سال ۶۱ نیاز بوده است. در همین دوره زمانی سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد یک واحد شغلی در بخش کشاورزی برابر ۱/۶ میلیون ریال، در بخش صنعت و معدن ۲ میلیون ریال، در بخش نفت ۱۰/۵

مشغول فعالیت هستند و بقیه جذب حرفه‌هایی غیر از رشته تحصیلی خود شده‌اند.

مشکل عمده در بین کشاورزان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی، کم سواد یا بی‌سواد آنهاست که متأسفانه براساس آمارهای موجود، حدود ۷۰ درصد کشاورزان و دامداران بی‌سوادند. این موضوع، خود عامل محدودکننده مهمی در توسعه به شمار می‌رود که امید است با تلاشهای نهضت سوادآموزی این نقیصه تا حدودی برطرف گردد. در واقع برای دستیابی به یک کشاورزی پیشرفته و نوین، به کشاورزانی نیاز داریم که مدیر باشند، خاک و گیاه و نیازهای لازم را بشناسند و بتوانند با استفاده بهینه از عوامل تولید، بالاترین راندمان را ارائه کنند.

بخش کشاورزی با توجه به سهم اشتغال آن در کشور (حدود ۳۰٪) و سهم ۲۸ درصدی آن از تولیدات ناخالص داخلی، جایگاه مناسب خود را در اعتبارات عمرانی و تسهیلات اعتباری ندارد. گرچه مزیت‌هایی را این بخش نسبت به سایر بخشها در رابطه با سرمایه‌گذاریها داشته، بطوریکه نسبت ارزش داده‌های بخش کشاورزی (هزینه‌های واسطه‌ای) به ارزش کل فعالیتهای اقتصادی

برآورد ارزی این افزایش تولید حدود ۱۱/۴ میلیارد دلار است. افزون بر این باید گفت در ۴ سال اول برنامه که حدود ۳/۵ میلیارد دلار صادرات محصولات کشاورزی داشته‌ایم. قابل ذکر است که نتایج بلند مدت این سرمایه‌گذاری که شامل سرمایه‌گذاری زیربنائی در آموزش، ترویج، تحقیقات، آب و خاک و... نیز درآینده کسب خواهد شد. از نمونه‌های دیگر در این سطح می‌توان به افزایش زمین آبی در سطح ۶۱۶ هزار هکتار در طول برنامه، ایجاد ۱۸۴ هزار فرصت جدید شغلی در ۳ سال اول برنامه، تطبیق تشکیلات با نیازها و غیره اشاره کرد.

۲) سطح کلان: بطور کلی هنگامی که در سطح کلان اقتصاد از ساختار صحبت می‌شود، چگونگی ترکیب اجزاء گوناگون یک پدیده در سطح بخشهای اصلی اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) از دیدگاه تولید مد نظر است. چگونگی ترکیب آنها از نظر سهم (مطلق و نسبی) در کل تولید، تعداد شاغلان بخش در کل اشتغال کشور و غیره، ساختار خاصی از اقتصاد بخش و کل اقتصاد را ایجاد می‌کند.

در این رابطه بعنوان مثال باید گفت که طی ۵ سال برنامه، ۱۵۶۹۱/۳ میلیارد ریال (۲۷ درصد) از تولید ناخالص داخلی کشور را بخش کشاورزی تامین کرده است. از ۱۱۹۱ هزار فرصت شغلی ایجاد شده در ۳ سال اول برنامه در کشور، ۱۸۲ هزار فرصت شغلی در بخش کشاورزی ایجاد شده و یا از

میلیون ریال و در بخش خدمات ۶/۷ میلیون ریال بوده است. مضافاً اینکه وابستگی ارزی این بخش به نسبت سایر بخشها در حد پائینی است. آمارهای فوق بیانگر مزیت‌های نسبی این بخش است که امیدوارم این مزیت نسبی در برنامه دوم توسعه در بعد سرمایه‌گذاری مورد توجه دولت و مجلس قرار گیرد.

آقای دکتر عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی: همانطور که می‌دانید تاکنون از نظر تئوریک مولفه‌های ساختاری بخش در محافل دانشگاهی جهان به خصوص در سطح اجزاء تنظیم و تدوین نشده است. علاوه بر این چون کلمه‌ای انتزاعی است، معنی و تعریف کاملاً مشخص و یکسان نیز ندارد.

اما می‌توان بگونه‌ای از روابط ثابت بین اجزای پدیده‌های بخش و نتایج آن سخن گفت، پاسخ به موضوع در دو سطح (۱) خرد و (۲) کلان عملی است.

۱) سطح خرد: در این برخورد به روابط موجود بین تولید، اعتبارات و سرمایه‌گذاری و نیروی کار که برآیند روابط بین مولفه‌های دیگر از قبیل زمین، نهاده‌های کشاورزی، آب زراعی، مالکیت و غیره است می‌توان پرداخت. در این سطح به عنوان مثال با حدود ۲/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری ارزی در دو زیر بخش زراعت و باغبانی (وزارت کشاورزی) به دو نتیجه کوتاه و بلند مدت می‌رسیم، بعبارت دیگر

۴۴۳/۵ میلیارد ریال صادرات غیر نفتی کشور در ۱/۳ از سال اول برنامه ۱۴۶ میلیارد ریال (۳۳ درصد) نیز از صادرات محصولات کشاورزی حاصل شده است.

سیری در آرا

□ برای اصلاح و رشد ساختاری بخش، در برنامه دوم چه اهداف مشخص و استراتژیهای روشنی را پیشنهاد می‌نمائید؟

ه: تعمیم بیمه و تامین اجتماعی به تولیدکنندگان و بیمه محصولات کشاورزی  
 ز: تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی و تدوین مکانیزم قیمت گذاری مناسب

ح: تعیین عوارض و تعرفه گمرکی واردات کالاهای وارداتی کشاورزی بگونه‌ای که قیمت کالاهای وارداتی کمتر از قیمت تضمینی آنها نگردد. و همچنین ایجاد تسهیلات برای صدور محصولات کشاورزی

ط: ایجاد نظام تسهیلات اعتباری سهل الوصول و ارزان برای بخش کشاورزی  
 ی: اولویت دادن به تاسیس صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش بگونه‌ای که تا پایان برنامه ظرفیتهای صنایع کشاورزی پاسخگوی تولیدات داخلی بوده و از ضایع شدن محصولات جلوگیری شود. ضمناً باتوجه به استعدادهای بالقوه بخش برای توسعه - خصوصاً در آب و خاک - لازم است سرمایه‌گذاری مناسب برای بالفعل

آقای خداکرم جلالی: برای رسیدن به هدف خودکفائی در محصولات کشاورزی و امنیت غذایی در راستای توسعه پایدار که یکی از آرمانهای انقلاب اسلامی است، می‌بایست استراتژیهای خاصی مورد توجه قرار گیرد که اهم آن‌ها عبارتند از:

الف: تثبیت مالکیت و رفع ابهام از مالکیت زمین و حمایت از کشاورزانی که در رابطه با قوانین و سیاستهای نظام از طریق هیئتهای واگذاری، صاحب زمین شده‌اند.

ب: گسترش تحقیق، آموزش و ترویج و بکارگیری تکنولوژی و روشهای مناسب در کشاورزی به عنوان یکی از وظائف اصلی دولت در بخش.

ج: استفاده از مشارکت مردم در اموری که در حال حاضر تقریباً بصورت انحصاری در اختیار دولت است نظیر تامین، توزیع و واردات نهاده‌های کشاورزی

د: تشویق و کمک به کشاورزان برای شکل در واحدهای تعاونی تولید کشاورزی

(کاپا) دیده شده است. در برنامه پنجساله دوم برای هر یک از مولفه‌های فوق الذکر اهداف و استراتژیها و سیاستهای مشخصی پیشنهاد گردیده است.

در زمینه اهداف می‌توان به موارد زیر به عنوان بهترین آنها اشاره کرد.

تأمین رشد و توسعه پایدار بخش کشاورزی با تاکید بر حفظ احیاء و بهره برداری متعادل از منابع پایه (آب و خاک و پوشش گیاهی)، افزایش تولیدات کشاورزی بمنظور بهبود وضعیت امنیت غذایی، حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی بمنظور افزایش درآمد آنها، توسعه صنایع تبدیلی و افزایش بهره‌وری.

در زمینه استراتژیهای اجرایی نیز می‌توان موارد زیر را برشمرد:

تکلیف مالکیت زمینهای کشاورزی یکسره شده بنحوی که زارعین صاحب نسق، مالکیت قطعی زمینهای توزیع شده را حائز گردند و هر محدودیتی که در معاملات و اجاره زمینهای کشاورزی موجود است برطرف شود، از هر نوع تفکیک و تبدیل اراضی کشاورزی یا قابل کشاورزی و باغات در خارج از محدوده قانونی شهرها و روستاها جلوگیری شود، تکلیف قراء و مزارع واقع در محدوده قانونی شهرها معین شود و امنیت در اراضی کشاورزی و جلوگیری از ملی کردن آنها ایجاد شود.

\* رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس: تنها کمتر از ۳۰٪ نیروهای تحصیلکرده مرتبط با بخش کشاورزی جذب این بخش شده‌اند.

نمودن امکانات در امور زیربنایی صورت گیرد.

آقای دکتر عیسی کلانتری: به طور کلی هنگامی که در اقتصاد، صحبت از ساختار می‌شود، چگونگی ترکیب اجزاء گوناگون یک پدیده، مدنظر است. در بخش کشاورزی ترکیب اجزاء و مولفه‌های متعددی ساختار خاصی را در اقتصاد کل کشور بوجود می‌آورد. اهم این مولفه‌های را می‌توان بشرح زیر بر شمرد.

- ۱- زمین و مالکیت اراضی مزروعی
  - ۲- آب و خاک
  - ۳- نهاده‌ها (کود- سم- بذر- ماشین آلات)
  - ۴- نیروی انسانی و اشتغال
  - ۵- اعتبارات و سرمایه‌گذاری (بیمه- تضمین خرید محصولات - سوبسید...)
  - ۶- اصلاح ساختاری تشکیلات بخش دولتی
  - ۷- واردات و صادرات
  - ۸- صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی
- شایان ذکر است که رابطه ارگانیک مولفه‌های فوق نیز در یک مدل اقتصادی

ایجاد زمینه مساعد جهت رشد و ارتقاء نیروهای مستعد و کارآمد، تقلیل پرسنل دولتی در سطح غیر متخصص و غیر ضرور، ایجاد زمینه لازم جهت بکارگیری مدیران شایسته و کارآمد در بخش، افزایش کارائی نیروی انسانی بخش، نیروی متخصص بخش دولتی و غیر دولتی، ارتقاء توان علمی و فنی و حرفه‌ای تولیدکنندگان بخش و ایجاد تنوع فرصتهای اشتغال و تامین درآمد از طریق استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی و روستائی مناسب مورد نیاز کشاورزی.

در زمینه اعتبارات و سرمایه‌گذاری نیز می‌توان به تامین نیازهای مالی بهره‌برداران و تولیدکنندگان فعالیتهای زیربنائی و تولیدی از طریق اعطاء تسهیلات، گسترش بیمه محصولات، تضمین خرید محصولات اساسی، جلب سرمایه‌گذاری تقلیل کارمزد وامهای پرداختی، و... اشاره کرد.

اصلاح ساختاری تشکیلات بخش دولتی از دیگر موارد است و بازنگری در ساختار تشکیلات دستگاههای مسئول بخش، ایجاد تشکیلات منسجم از طریق ادغام

در زمینه آب و خاک نیز می‌توان موارد زیر را برشمرد.

اصلاح و تدوین برنامه آبخیزداری متناسب با طرحهای توسعه منابع آب، اولویت به اجرای طرحهای کوچک تامین آب، تکمیل طرحهای نیمه تمام، تکمیل شبکه‌های اصلی و فرعی آبیاری و زهکشی زیر دست سدهای موجود و در دست ساختمان و حمایت و تشویق به یکپارچگی اراضی و کشت و جلوگیری از خرد شدن آنها.

برنامه ریزی برای تامین و ارائه بموقع نهاده‌ها و خدمات مورد نیاز تولید، تامین بخشی از هزینه‌های تهیه، تامین و تدارک نهاده‌ها توسط دولت با اولویت دادن برای کشاورزی خرده‌پا، مدرنیزه کردن فعالیت‌ها متناسب با قابلیت‌ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی مناطق، توسعه روش‌های مبارزه بیولوژیک با آفات و امراض کشاورزی و حفظ منابع پایه و محیط زیست و کاهش کاربرد سموم و مواد شیمیایی در طبیعت و کاهش هزینه‌های تولید ناشی از کاربرد سموم از جمله موارد پیش‌بینی شده در زمینه نهاده‌هاست.

در زمینه نیروی انسانی و اشتغال نیز باید از موارد زیر نام برد:

\* وزیر کشاورزی: در برنامه دوّم پیشنهاد شده‌است که تکلیف مالکیت زمینهای کشاورزی یکسره شده و زارعین صاحب‌نسق، مالک قطعی زمینهای توزیع شده گردند.

دستگاههای مسئول در امور آب و کشاورزی بمنظور جلوگیری از تداخل و تکرار وظایف و حذف دستگاههای اضافی، منطقی کردن نسبت مشاغل اصلی به پشتیبانی، پرداخت حقوق و مزایا متناسب با کارآئی افراد و... را دربر می گیرد.

در زمینه واردات و صادرات محصولات کشاورزی، برقراری حمایتهای مالی جهت تشویق و توسعه صادرات، برقراری نظام تعرفه‌ای و مالیاتی مناسب جهت تشویق و توسعه صادرات و کاهش واردات محصولات کشاورزی، قابل ذکرند. همچنین این که دولت قیمت تضمینی محصولات اساسی کشاورزی و دامی را سالیانه طبق ضوابط مندرج در قانون

تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی تعیین میکند، و بمنظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی پیوسته با اعمال سیاستهای بازرگانی متناسب (سود بازرگانی متغیر) در مورد کالاهای وارداتی مشابه بنحوی عمل خواهد نمود که قیمت تمام شده این کالاها با احتساب پائین ترین قیمت بین المللی، با اضافه حداقل خرج و حمل و نقل تا بنادر با اضافه هزینه حمل از بنادر تا تهران با اضافه سود بازرگانی و حقوق گمرکی از قیمت تضمینی خرید کالاهای داخلی کمتر نباشد بطوریکه تولیدکنندگان داخلی محصولات خود را در حد قابل رقابت در سطح بین المللی تولید کرده و از واردات بی رویه آسیب نبینند.

□ پیشنهادهای سازمان برنامه و بودجه تا چه اندازه به این جنبه ساختاری پرداخته است.

شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

کتابخانه فضیله

آقای خداکرم جلالی: به نظر می رسد سازمان برنامه بودجه در برنامه دوم به ساختار بخش و اصلاح آن توجه کاملی نداشته و یا اساساً نیازی به اصلاح برخی ساختارها نمی دیده است. ملاک سازمان مذکور برای بخش کشاورزی در برنامه دوم، میزان اعتبارات کشور و سهم بخش بوده و در چهارچوب محدودیتهائی که برای بودجه وجود داشته به موضوع نگریسته

است. چرا که نسبت کل اعتبارات عمرانی فصل کشاورزی برنامه اول به کل اعتبارات عمرانی کشور در همین برنامه ۱۱/۸۳٪ بوده در حالیکه در لایحه پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه برای برنامه دوم این نسبت به ۴/۸٪ تقلیل یافته است.

آقای دکتر عیسی کلاتری: همانطوریکه در پاسخ به سؤال ۲ به اجمال، مولفه های



نستیجه افزایش هزینه تولید، در جهت اقتصادی نمودن تولیدات بخش کشاورزی بمصرف برسد.

### در زمینه تولید برنج

دولت موظف است تا حد ۳۰٪ حقوق گمرکی و سودبازرگانی از برنج وارداتی اخذ و بمنظور پائین آوردن هزینه‌های تولید در اختیار وزارت کشاورزی قرارداد تا بنحو مقتضی در مناطق شالیکاری به مصرف برساند.

### در زمینه تولید چغندر قند

به منظور توسعه مکانیزاسیون چغندر قند ضرورت دارد در طول برنامه پنجساله دوم، بخشی از بهای ماشین آلات از طریق دولت و بخشی بوسیله کارخانجات قند کشور و خود صاحبان واحدهای مکانیزه تامین و پرداخت می‌گردد، منابع اعتباری پیش بینی شده برای تحقق این امر از طریق تخصیص درصدی از سودبازرگانی دریافتی از شکر وارداتی و نیز از طریق تخصیص یک درصد از بهای نرخ تضمینی چغندر قند تولیدی سالیانه می‌باشد.

### در زمینه تولید نباتات علوفه‌ای

به منظور اقتصادی نمودن کشت ذرت و سایر نباتات علوفه‌ای در داخل کشور، به معادل یک درصد از بهای مواد علوفه‌ای وارداتی اخذ و به مصرف توسعه کشت نباتات علوفه‌ای برسد.

سیری در آرا

بخش کشاورزی، اهداف استراتژیها و سیاستهای مرتبط با آنها در طی دوران برنامه پنجساله دوم توسعه کشاورزی اشاره گردید، بخش کشاورزی در زمینه مولفه‌های مهم ساختاری بخش سیاستها و استراتژیهای مربوطه را تدوین و ارائه نمود.

ولی این پیشنهادات عمدتاً و به طور خیلی جدی مورد توجه سازمان برنامه و بودجه قرار نگرفته که در زیر فارغ از رعایت ترتیب تقدم و تاخر آنها در سؤال ۲ بصورت اختصار بیان می‌گردد.

### در زمینه تجمع اراضی کشاورزی زارعین

- به منظور یکپارچه نمودن اراضی و کشت تولیدکنندگان بر تجمع مالکیت و صدور اسناد مالکیت زارعینی که در داخل پروژه‌های تجهیز و نوسازی مزارع قرار می‌گیرند تاکید می‌گردد. و سازمان ثبت اسناد کشور موظف به انجام این مهم می‌باشد.

در زمینه حمایت از تولیدات بخش کشاورزی علاوه بر حقوق گمرکی و سودبازرگانی حداقل ۲٪ از بهای کلیه محصولات کشاورزی و مواد غذایی وارداتی اخذ و در اختیار وزارت کشاورزی قرار گیرد تا باتوجه حذف سوبسید نهاده‌های کشاورزی و در

در زمینه تولید پنبه

- اعطای تسهیلات لازم از قبیل زمین، وام و اعتبارات بانکی برای متخصصین کشاورزی که بصورت تبصره پیشنهاد شده بود مورد توجه و امعان نظر قرار نگرفت.

معادل یک درصد بهای ارقام پنبه محلولج استحصالی در کلیه کارخانجات پنبه پاککنی کشور از تصفیه کنندگان اخذ و در جهت حمایت از پنبه کاران و افزایش تولید این محصول به مصرف برسد.

در زمینه زمین و مالکیت اراضی

در این زمینه از پیشنهادات وزارت کشاورزی فقط موضوع تعیین تکلیف مالکیت اراضی کشاورزان صاحب نسق در قالب تبصره ۱۵ لایحه برنامه پنجساله دوم ملحوظ گردید و سایر پیشنهادات مربوط به این امر شامل:

در زمینه تولید سیب زمینی و پیاز

ضرورت تضمین خرید محصولات فوق در برنامه پنجساله دوم مورد تاکید می باشد.

در زمینه تولید دانه های روغنی

معادل یک درصد از بهای روغن خام وارداتی از کارخانجات روغن کشی اخذ و در جهت پائین آوردن هزینه تولید و افزایش عملکرد و اقتصادی نمودن تولید داخلی به مصرف برسد.

- جلوگیری از هر نوع تفکیک و تبدیل اراضی کشاورزی

- تعیین تکلیف قرا و مزارع واقع در محدوده قانونی شهرها

- تعیین تکلیف املاک مسلوب المنفعه - ایجاد امنیت در اراضی کشاورزی و

جلوگیری از ملی کردن آنها مدنظر قرار نگرفته است

در زمینه اعتبارات و سرمایه گذاری، در این زمینه موارد عمده زیر:

- افزایش سرمایه بانک کشاورزی جهت تامین منابع مورد نیاز

- منظور نمودن سهم سرمایه گذاری بخش غیر دولتی به صورت وام کم بهره و با بازپرداخت طولانی مدت

- تامین سرمایه گذاری از موسسات مالی خارجی در مراحل مختلف خصوصی سازی

- احیاء تبصره ۶۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۲ کل کشور

در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی علیرغم تاکید صریح خط مشی ها و سیاستها مبنی بر ضرورت تمرکز برنامه ریزی و سیاستگذاری در زمینه ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی و ارائه پیشنهادات لازم در این مورد در قالب تبصره های متعددی و همچنین با تاکید مکرر بر موارد عمده ای نظیر:

معافیت کلیه ماشین آلات ادوات و

تکمیلی، کاشت، داشت و برداشت و نیز ماشین‌آلات مربوط به ایجاد و تاسیس کارخانجات تولیدکننده لوازم مورد نیاز سیستم‌های آبیاری تحت فشار از پرداخت حقوق گمرکی و سودبازرگانی که متأسفانه در مراحل بررسی و تصمیم‌گیری در سازمان برنامه و بودجه مورد توجه قرار نگرفته است.

## سبزی در آرا

تجهیزات مربوط به صنایع تبدیلی و

□ برخی معتقدند که سهمی از افزایش تولیدات برنامه اول در بخش کشاورزی در واقع به نوعی استفاده از ظرفیتهای خفته بوده است که البته در جای خود بایسته تقدیر است. به نظر شما چه باید کرد تا متناوباً ظرفیتهای جدیدی تولید شود تا کشور در تولیدات استراتژیک، از خارج بی‌نیاز باشد؟

راندمان نیز چنانچه با آموزشهای صحیح بتوانیم از عوامل تولید استفاده بهینه داشته باشیم، می‌توانیم با بالابردن راندمان - بدون توسعه کشت - و استفاده از امکانات و استعدادهای بالقوه از مرز خودکفائی بگذریم و در بسیاری از کالاهای اساسی نیز صادرکننده باشیم.

آقای دکتر عیسی کلانتری: البته باعث خوشوقتی است که از ظرفیتهای خفته استفاده شد. هدف ما هم در برنامه اول بیشتر بر این مبنا بود که از امکانات کشور حداکثر استفاده بشود و با حداقل سرمایه‌گذاری، حداکثر تولید را بدست بیاوریم. ما بسیج شدیم تا ظرفیتهای خالی و ظرفیتهای خفته را در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار دهیم. چرا که در کشور هم

آقای خداکرم جلالی: با توجه به ظرفیتهای دست نخورده در زمینه آب و خاک کشور - حداقل به میزان آنچه در حال حاضر زیر کشت داریم - می‌توانیم توسعه کشت داشته باشیم و با توجه به سرمایه‌گذاریهای مربوط به بخش آب و کشاورزی در ۳ یا ۴ برنامه دیگر - در صورت توجه جدی - می‌توانیم آنها را به صورت بالفعل درآوریم. در زمینه راندمان نیز تا دستیابی به راندمان کشورهای پیشرفته در کشاورزی فاصله زیادی داریم. به عنوان نمونه در حالی که در برنامه اول سعی فراوان و قابل تقدیری در زمینه رشد گندم داشته‌ایم، در حال حاضر متوسط راندمان گندم دیم و آبی کشور در حدود ۱۷۰۰ کیلوگرم است در صورتیکه می‌توانیم این رقم را حداقل به دو برابر وضعیت فعلی برسانیم. بنابراین در زمینه

**\* وزیرکشاورزی: تأمین کامل نیازهای بخش کشاورزی به ۵۰٪ انرژی دولت و سرمایه‌گذاریهای زیربنایی نیاز دارد.**

تحقیقات را در مزارع بکار گرفتیم. متوسط هزینه‌هایی که ما در طرح خودکفائی گندم داشتیم سالیانه زیر یک میلیارد تومان بود و تازه قسمتی از آن هم صرف هزینه‌های عمرانی می‌شد. آن چیزی که برای تغییر شکل نوع کشت و استفاده از ظرفیت‌های خالی هزینه جاری شد، سالیانه حدود ۴۰۰ میلیون تومان بود با اضافه هزینه عمرانی که زیر یک میلیارد تومان بود. در ظرف کمتر از چهارسال نیز عملکرد از حدود ۱۱۰۰ کیلو به حدود ۳۱۰۰ کیلو در هر هکتار زراعت آبی می‌رسید. یعنی در چهار سال اول اجرای طرح در حالیکه طبق آمار سازمان خواربار جهانی عملکرد در سطح طی (۳۰ سال ۱۳۳۷ - ۱۳۶۷) از حدود ۱۲۰۰ کیلو به حدود ۱۹۰۰ کیلو رسیده بود. و همین هزینه‌ها هم انجام گرفته بود. یعنی کود و بذر و آب به زمین داده می‌شد و کشاورز وقتش را صرف تولید می‌کرد. ولی برداشت خوب و درستی انجام نمی‌شد. در محصولات دیگر هم همینطور بود. مثلاً تمام تلاشمان در مورد علوفه، جو، سیب‌زمینی، برنج و چغندر بر این است که تحقیقات علمی و مسجل شده‌ای را که بازدهی آن‌ها مثبت است، بدون هیچگونه هزینه اضافی یا با کمترین هزینه اضافی در بخش کشاورزی اجرا کنیم. زارعین هم وقتی می‌بینند که اگر به حرف ما گوش دهند، محصول بیشتری برداشت خواهند کرد و نهایتاً عایدی بیشتری به

آب و هم خاک وجود داشته منتها بجای یک تولید اوپتیموم، در حد مینومی انجام می‌گرفته است و با یک سرمایه‌گذاری جزئی می‌توانستیم ظرفیت‌های خالی را به تولید بکشانیم. بعنوان مثال در انواع طرحهای گندم، هیچگونه گسترش سطح زیر کشت نداشتیم، زارع جدیدی هم اضافه نکردیم، حتی امکانات جدیدی هم به صورت جدی به این بخش تزریق نشده است، فقط تلاش شد تا در همان مدت یکماهه‌ای که بهترین زمان کشت است، کشت بشود، بذر، به جای دست با بذر پاش زیر خاک برود و بجای اینکه آبیاری به صورت غرقابی صورت گیرد از سیستم آبیاری «نستی» استفاده شود تا هم در مصرف آب صرفه جویی بشود و هم بذر بهتر آب بخورد و با علفهای هرز مبارزه جدی بشود. کود به موقع توزیع شود و در نهایت به موقع برداشت بشود.

مواردی که برشمردم، تماماً کارهایی است که طی صدها سال گذشته نیز توسط کشاورزان انجام می‌شده و چون طبق برنامه و مطابق با اصول فنی انجام نمی‌شد، نتایج مطلوب حاصل نمی‌گردید. در واقع ما نتیجه

دارد تا در اموری چون مهار آب، انتقال به زمین و تسطیح هزینه شود. حالا در بعضی جاها دولت ممکن است همه هزینه‌های مربوط به آن را بدهد و در بعضی از دیگر مناطق، فقط زمین را به کشاورز واگذار کند و ممکن است که آن فرد بیاورد خودش تمام سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام بدهد. در یک سری از مناطق کشور هم حالت تلفیقی دارد. مثلاً دولت ۴۰-۵۰ درصد را بلاعوض می‌دهد و بقیه را یا خود کشاورزان سرمایه‌گذاری می‌کنند و یا از بانک وام می‌گیرند.

سرمایه‌گذاری در این زمینه چون به ماشین آلات خارجی نیاز دارد، مقداری سرمایه ارزی نیاز دارد. البته ما سالیانه بین ۷۵ تا ۹۰ هزار هکتار از اراضی بایر و موات را با ایجاد سدهای خاکی و بندهای انحرافی و احداث چاههای عمیق، به زمینهای دایر تبدیل می‌کنیم ولی اگر بخواهیم سریعاً در تولیدات استراتژیک به خودکفائی و خودبستگی برسیم به سرمایه‌گذاری بیشتری در این زمینه نیاز داریم. احتمالاً ممکن است توان کشور بخصوص بخش دولتی پاسخگوی این نیازها نباشد در شرایط فعلی با تغییراتی که در تشکیلات

دستشان می‌رسد، به این شیوه‌ها عمل می‌کنند.

ما نیروهای انسانی مان را بسیج کردیم و از ادارات به مزارع گسیل داشتیم. آنها این نقاط قوت و ضعف را با زارعین در میان گذاشتند از طرف دیگر با اصلاح قیمتها نیز زارعین انگیزه تولید پیدا کردند. بنابر این هم از یکطرف تولیدشان در واحد سطح بالا رفت و هم قیمت‌ها اصلاح شد و در نتیجه آن شد که زارع انگیزه قویتری برای تلاش بیشتر به دست آورد.

نکته دیگر این که هر چه کارشناس و مروج کشاورزی وقت بیشتری را در مزرعه گذرانند، زارع نیز بمراتب وقت بیشتری را به تولید اختصاص داد و این امر سبب شد که از ظرفیتهای خفته بهترین استفاده صورت بگیرد.

اما اینکه در کشور ظرفیت‌های جدیدی تولید بشود، بستگی به میزان سرمایه‌گذاری دارد. ایجاد ظرفیت جدید، به توسعه سطح زیر کشت و سرمایه‌گذاری زیر بنائی نیاز دارد که تا حدودی انجام داده‌ایم ولی با توجه به نیاز کشور، این مقدار بسیار ناچیز است. در شرایط کنونی بطور متوسط آباد کردن هر هکتار زمین برای زراعت معمولی، به طور متوسط حدود ۶۰۰ هزار تومان خرج

\* رئیس کمیسیون کشاورزی: تثبیت و رفع ابهام از مالکیت زمین و حمایت از کشاورزانی که از طریق هیئت‌های واگذاری صاحب زمین شده‌اند از مهمترین کارهاست.

موات را آباد کند، نمی داند فردا نیز صاحب سرمایه اش خواهد بود یا نه.

معمولاً در پاسخ به این نکته که «قانون از شما حمایت می کند» می گویند امروز ممکن است شما قانونی برای گرفتن این زمین نداشته باشید ولی معلوم نیست که دو سال دیگر هم طرح و لایحه ای در این مورد تصویب نشود. یا اینکه معلوم نیست پس از آنکه زمین مواتی با سرمایه ای آباد شد، فردا چهار نفر نریزند و آن زمین را تصرف نکنند. می گویند که اصل بر تصرف است و اینگونه است که نگرانیهایی درباره سرمایه گذاری بوجود می آید. رفع چنین مشکلاتی نیز به زمان نیاز دارد.

رفتار جامعه و برخورد دستگاههای اجرائی و قضائی باید با حمایت از سرمایه گذاریهای صحیح، این امنیت را به اثبات برسانند. مردم خیلی مشتاق هستند که سرمایه شان را به بخش کشاورزی بخصوص در قسمت توسعه هزینه کنند. البته این کار شروع شده ولی خیلی بطئی است و سالها طول خواهد کشید تا سرمایه ها در بخش توسعه کشاورزی جذب بشود.

خودمان دادیم ظرفیت های کاری بسیاری بوجود آوردیم. بطوریکه تشکیلات ما که تا پنج سال پیش قادر نبود بیش از ۱۵ یا ۲۰ هزار هکتار کار مهندسی انجام بدهد، همین الان با همان ترکیب به ۲۰ برابر ظرفیت قبلی رسیده است. و اگر بودجه باشد - بدون اینکه ما بودجه جاری خودمان را افزایش بدهیم - تا سی برابر هم امکان افزایش ظرفیت وجود دارد.

آنچه که الان مانع توسعه است، نه نیروی انسانی است و نه امکانات طبیعی کشور، فقط سرمایه است و مردم هم یک مقدار با شک و تردید در بخش کشاورزی سرمایه گذاری می کنند و ظاهراً هنوز ترس دارند که سرمایه شان را به بخش کشاورزی منتقل کنند و متاسفانه هنوز اعتماد مردم را نتوانسته ایم جلب کنیم. این یکی از ضعف های بخش کشاورزی و دولت بوده که نتوانسته است اعتماد آن کسی را که سرمایه دارد و به بخش کشاورزی علاقه مند است، جلب کند. افرادی که توان سرمایه گذاری دارند نمی دانند که فردا چه خواهد شد؟

فرضاً اگر سرمایه داری ۵۰۰ هکتار زمین

□ در حال حاضر بخش کشاورزی از سیاست گذاری واحدی برخوردار نیست مثلاً در حالیکه زراعت در یک دستگاه، سیاست گذاری و برنامه ریزی می شود، امور دام که ارتباط تنگاتنگی با زراعت دارد در دستگاه دیگری برنامه ریزی می شود. برای رشد جدی بخش در برنامه دوم اعمال سیاست واحد تا چه اندازه ضروری است؟

مربوط به تولید کنندگان بخش کشاورزی را پاسخگو باشد، نیست. بنابر این بنظر می‌رسد باتوجه به مدت کمی که از اجرای قانون تفکیک وظایف می‌گذرد و مشکل خاصی هم وجود نداشته است و از طرفی به خاطر رقابت دو وزارتخانه شاهد رشد و شکوفائی بخش هستیم، باید حداقل یک برنامه دیگر نیز این تشکیلات را حفظ کنیم تا پس از بررسی و ارزیابی دقیق و عمیق عملکرد آنها و انتقال امور قابل واگذاری به مردم بتوانیم به تشکیلات مطلوبتری برسیم. اما ناگفته نماند چنانچه تشکیلات دولت در کسل بخواهد کوچکتر شود، وزارتخانه‌های ما به نصف یا کمتر برسد، شاید بشود این دو وزارتخانه را هم ادغام کرد، ولی بدون اینکه تغییر اساسی در تشکیلات دولت بوجود آید، ادغام وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی به ضرر رشد و توسعه بخش در اقتصاد کشور خواهد بود و علاوه بر آن خسارت و ضرر زیادی را نیز متوجه کشاورزان خواهد کرد.

آقای دکتر عیسی کلانتری: در بخش کشاورزی یک مقدار معضلات وجود دارد که اولاً بخاطر گسترش فضای کشاورزی در کشور و اهمیت اقتصادی و اجتماعی بخش کشاورزی در کشورمان است حدوداً ۲۷ یا ۳۰ درصد درآمد ناخالص ملی در بخش کشاورزی است. و از طرف دیگر بخش کشاورزی ما در منطقه‌ای از جغرافیای جهان قرار گرفته که اقلیم شکننده دارد. یعنی یک کشور نیمه خشک با تغییرات بسیار وسیع

سازندگی و کشاورزی که تداخل وظایف، دوباره کاری و همچنین سردرگمی فراوانی را برای کشاورزان به همراه داشت، وضعیت بسیار بهتر گردیده است و بعد از تفکیک وظایف تقریباً رقابتی جدی در دستگاههای مذکور بعمل آمده بگونه‌ای که شاهد تحول در بخش زراعت و دام و منابع طبیعی هستیم. در حال حاضر مشکل خاصی از نظر دوباره کاری یا سردرگمی کشاورزان و یا تداخل وظایف وجود ندارد و اگر بخواهیم کلیه دستگاههایی را که به یک بخش مربوط می‌شوند را با هم ادغام کنیم باید وزارت نیرو و کشاورزی و جهاد سازندگی و قسمتهایی از بسیاری از وزارتخانه‌ها تبدیل به یک وزارتخانه شوند. که البته اینهم ناقص است و قطعاً مسئله آموزش کشاورزان و روستائیان و آموزش متخصصان و کارشناسان مورد نیاز بخش نیز باید در این وزارتخانه جمع شود، مسئله صنایع تبدیلی و تکمیلی و بازرگانی داخلی و خارجی، کالاهای کشاورزی و حمل و نقل، قسمتی از صنعت و تولیدات پتروشیمی هم باید به این وزارتخانه منتقل شود و می‌توان گفت تقریباً حدود نیمی از وزارتخانه‌های کشور با این بخش مرتبط هستند. که طبیعتاً امکان وجود چنین تشکیلاتی که بتواند همه امور

تولیدات ما به استانداردهای بین‌المللی در واحد سطح و یا واحد دام نرسیده، هنوز وضعیت روستاهای ما از نظم عمرانی با تمام تلاشهایی که شده رضایتبخش نیست و هنوز امکانات خدماتی به روستاهای کشور نرسیده است. من هم با این نظر موافقم که یک دستگاه یا یک وزارتخانه نمی‌تواند همه این وظایف را بر عهده بگیرد.

اگر همه مسائل مربوط به منابع طبیعی، جلوگیری از کویر زایی، حفظ جنگل، توسعه مراتع و جنگل و آبخیزداری، مسائل مربوط به زراعت، دامداری و شیلات و عمران روستائی و ... را جمع کنید، مجموعه‌اش بمراتب بیشتر از کلیه کارهایی است که در بخشهای دیگر کشور وجود دارد و به عبارت دیگر گستردگی این کارها بمراتب بیشتر از وظیفه کلیه ۲۳ وزارتخانه دیگر خواهد بود.

من هم اعتقاد دارم که الان ما در شرایطی نیستیم که بگوئیم یک وزارتخانه مسئول یک قسمت بسیار گسترده‌ای از امور کشور باشد. ولی می‌شود این را تنظیم کرد. درست است و اعتقادم بر این است که تشکیلات دولت نباید گسترده باشد، ولی در یک بخشهایی ممکن است لازم باشد که تشکیلات دولت گسترش پیدا کند. من اعتقادم بر این است که در نهایت دام و زراعت نمی‌توانند از هم جدا باشند. ولی منابع طبیعی ما به علت اینکه از جایگاه

\* رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس: باید تشکیلات موجود در بخش کشاورزی را حداقل تا یک برنامه پنجساله دیگر نیز حفظ کنیم تا با بررسی عمیقتر و انتقال امور قابل واگذاری به مردم، بتوانیم به تشکیلات مطلوبتری برسیم.

در فاکتورهای اقلیمی هستیم. یعنی اختلاف موجود در نقاط مختلف کشور از نظر درجه حرارت، میزان رطوبت و ارتفاع از سطح دریا، شکنندگی خاصی را متوجه بخش کشاورزی کرده است. این مساله مزایای نسبی خودش را هم دارد. منابع طبیعی ما عمدتاً در معرض فرسایش است و خاک زائی در کشور بخاطر بارندگی، کم است. تخریب بخاطر افزایش سریع و بی‌رویه جمعیت به حد اعلاى خود رسیده، عدم وجود قوانین قوی و حمایت‌کننده از آب و خاک کشور نیز شکنندگی را افزایش داده است. همه اینها ایجاب می‌کند که یک مدیریت قوی در بخش کشاورزی بوجود بیاید.

الان بیابان زائی در کشور بیداد می‌کند و تلاشهایی که در این زمینه برای مهار آنها صورت می‌گیرد پاسخگو نیست. متأسفانه کویر روزبروز در حال گسترش است. فرسایش هنوز نشانی از کاهش ندارد هنوز آبهای فراوانی در کشور هرز می‌رود، هنوز



تخریب جنگل و مرتع و آب و خاک را بگیرد و هم آب را در محل خودش به زمین تزریق بکند و هم روستاها را آباد بکند؟ اصلاً اینها قابل جمع شدن نیست. هر کسی که بنظر من می‌گوید اینها باید در یک جا جمع بشود، از ابعاد قضیه و از مدیریت کشور و از امکانات تولید کشور بی‌خبر است.

در مملکت، شعار خوب داده می‌شود متأسفانه همه در روزنامه‌ها و مجلات و در کنفرانسها حرف می‌زنند ولی وقتی که به عمل می‌رسد همه عقب نشینی می‌کنند. باید نیازهای جامعه را دید. تشکیلات کشور وقتی ایده‌آل است که با نیازهای کشور هماهنگ باشد. این کارها به دهها سال سرمایه‌گذاری نیاز دارد. این خوش باورانه است که بگوئیم عمران روستائی ما چهارسال دیگر تمام می‌شود. متأسفانه حرف‌های کارشناسی خیلی وقتها تحت تاثیر شعارها قرار می‌گیرد. ما واقعیات را نمی‌خواهیم با عدد و رقم جمع کنیم که چقدر کار می‌خواهیم و توانمان چقدر است و آنها را به هم تقسیم کنیم تا زمان کار را بدست بیاوریم. یک جاده بین شهری که

ویژه‌ای برخوردار است و همچنین بعثت مسائل محیطی و اقلیمی و شکنندگی و انفجار جمعیت و تخریب آن، نمی‌تواند تا ۲۰ سال آینده با بخش دام و زراعت یکی باشد. در روستاهای ما با تمام تلاشی که بعد از انقلاب انجام شده - چه توسط جهاد و سایر ارگانها - از نظر عمرانی هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم. این شوخی است که بگویم عمران روستائی تا پنج سال دیگر تمام می‌شود.

عمران روستاهایی که ۴۰ درصد جمعیت کشور در آنها ساکن است و هنوز هم کوچکترین مسائل بهداشتی در آنها رعایت نمی‌شود و در خدمات آموزشی هنوز مشکل دارند، و بسیاری از آنها هنوز به جاده دسترسی ندارند، به این سادگی ممکن نیست، درست است که به تعداد زیادی از روستاها برق داده شده، ولی تنها برق کافی نیست روستاها باید امکاناتی را داشته باشند که شهرهای ما دارند. اگر ما می‌خواهیم که تولید به روستا برگردد و مهاجرت از روستا انجام نگیرد و ارزش افزوده در روستا اضافه بشود، به سرمایه‌گذاری نیاز دارد. چطور ممکن است یک دستگاه هم پاسخگوی تغذیه مردم و خودکفائی مواد غذایی باشد و هم جلوی

\* وزیر کشاورزی: ما بیشتر گرفتار این مسأله هستیم که فئودال با زمین دار یکی تلقی می‌شود و به کسی که زمین دارد سرمایه‌دار گفته می‌شود. در حالیکه درآمد ۵۰هکتار زمین به اندازه یک کارگاه کوچک پنج نفره هم نیست.

\* رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس: به نظر می‌رسد که سازمان برنامه و بودجه، نیازی به اصلاح ساختارها در بخش کشاورزی نمی‌دیده است.

ولی در بخش کشاورزی که عقب هستیم، نمی‌توانیم از این موضوع بسادگی بگذریم و خوش‌بینانه فکر کنیم که به آن چیزی که فکر می‌کنیم، برسیم.

این است که من هم موافقم که زراعت و دام به هم پیوسته است ولی تا ۲۰ سال آینده یک وزارتخانه نمی‌تواند تامین کننده نیازهای بخش کشاورزی باشد. تامین نیازهای بخش کشاورزی به ۵۰ درصد انرژی دولت و سرمایه‌گذاری زیربنائی نیاز دارد. من نظرم این است که الان شاید ما به بیش از دو وزارتخانه برای اجرای کارها در بخش کشاورزی نیاز داریم و بر خلاف آنهایی که فکر می‌کنند که تشکیلات دولت باید جمع و جور بشود - و من هم موافقم در آنجاهائی که باید، جمع و جور بشود - ولی فعلاً یک وزارتخانه نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای بخش کشاورزی باشد. اگر بخواهیم نیازهای بخش کشاورزی را حل بکنیم و سرسری از کنار آن نگذریم باید اینگونه فکر و عمل کنیم و الا یک اداره کل که زیر پوشش وزارت اقتصاد باشد هم می‌تواند این کار را انجام بدهد.

حداقل به دو یا سه وزارتخانه برای کار در بخش کشاورزی نیاز است تا بصورت تمام وقت کار کنند و بتوانیم عقب ماندگیها را جبران کنیم. من با اصلاح تشکیلات موافقم و می‌دانم که الان نارسائی داریم. شاید جدائی دام از زراعت ما را در

درجه یک محسوب می‌شود عمرش ۲۰ سال است. بعد از ۲۰ سال این جاده باید دوباره ساخته بشود یا نوسازی شود. جاده روستائی نگهداری می‌خواهد. اگر بخواهیم فاصله روستائی و شهری را کم بکنیم، حداقل ۲۰ سال وقت لازم دارد. منابع طبیعی و زراعت و دام هم همین طور است. اگر فرضاً ۶ تن تولید گندم در زراعت آبی، ۵ تن جو در زراعت آبی، ۹ تن ذرت در زراعت آبی، ۳ تن برنج در زراعت آبی و ۵۰ تن چغندر برسیم، اگر می‌خواهیم، به راندمان ۹/۰ کیلو دان مرغی به گوشت مرغ برسیم، ۴/۲ دان مرغی به تخم مرغ برسیم و می‌خواهیم راندمان گوشت قرمز در کشور افزایش پیدا کنند و به ۷ یا ۸ کیلو کنسانتره در مقابل یک کیلو گوشت برسند، دنیایی وسیع از کار را پیش رو خواهیم داشت. به نظر من آنهایی که برای تشکیلات کشور پیشنهادات لازم را ارائه می‌دهند، به ابعاد کار واقف نیستند. صرفاً کوچک کردن یک تشکیلات دلیل بر خوب بودن قیمت تولید نیست. خیلی جاها این مساله صادق است

کشاورزی باشد ما نمی‌توانیم با تضمین اینها تشکیلات مناسبی بوجود بیاوریم؛ با ایجاد برش‌های نامناسب هم در این بخش نمی‌توانیم تشکیلات مناسب را بوجود بیاوریم، باید تابعی باشیم از کارشناسی. ما وقتی تشکیلات خودمان را تابعی از علم کشاورزی کردیم، آن وقت رابطه لازم بین زیر بخشها بوجود می‌آید و می‌توان انتظار ایجاد تشکیلات درستی را داشت.

سبیری در آرا

سیاستگذاری هایمان به بیراهه بکشاند. با این هم موافقم که ما باید یک سری تشکیلات داشته باشیم که موافق بخش

□ موانع متعدد و از جمله عدم ثبات سیاستگذاریها و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری‌ها، ظاهراً در کلیه بخشها تأثیرات منفی و عمیق می‌گذارد. بخش کشاورزی در این زمینه با چه موانعی روبرو است؟

را از حقی ساقط‌کنند. این مشکل ما با مشکل بخش صنعت، مقداری فرق می‌کند البته ریشه‌اش یکی است و قابل تفکیک نیست ولی سرمایه بخش کشاورزی همیشه جلوی دید مردم است، شما ممکن است بروید صدها میلیون تومان در یک سوله ۱۵۰۰ متری سرمایه‌گذاری کنید و هیچکس

آقای دکتر عیسی کلانتری: ما بیشتر گرفتار این هستیم، چون فئودال را با زمین دار یکی می‌دانند. به کسی سرمایه‌دار می‌گویند که زمین دارد. حالا شاید درآمد ۵۰۰ هکتار زمین باندازه یک کارگاه کوچک پنج نفره هم نباشد. اولین کسی که در مقابل لبه تیز شمشیر مبارزه با سرمایه‌داری و فئودالیسم قرار می‌گیرد همان کسی است که روی زمین سرمایه‌گذاری کرده و زمین را آباد کرده است ولی هیچکس صاحب یک کارگاه متوسط را سرمایه‌دار نمی‌داند در حالیکه درآمد آن شاید دهها برابر مزرعه ۵۰۰ هکتاری باشد. ولی یک مزرعه ۵۰ هکتاری در گوشه‌ای از کشور بعنوان عامل خان و خان بازی و سرمایه‌داری تلقی می‌شود. و می‌خواهند او

\* وزیر کشاورزی: افزایش کشاورزی به منظور بهبود وضعیت امنیت غذایی، حمایت از تولیدکنندگان، توسعه صنایع تبدیلی و افزایش بهره‌وری از اهداف بخش کشاورزی در برنامه دوم است.

هم نبیند، ولی همین سرمایه را اگر بخواهید در زمین سرمایه‌گذاری کنید، می‌گویند ۱۵۰ هکتار زمین را آباد کرده آنوقت شما از دیدگاه عامه، یک فئودال شناخته می‌شوید. این است که ما باید این طرز تفکر را عوض کنیم و این وظیفه همه است، یعنی مجموعه دولت مجلس و قوه قضائیه را در بر می‌گیرد تا این مساله جایفتد که اگر کسی زمین بایری را آباد می‌کند، خائن و فئودال نیست و می‌خواهد سرمایه‌اش را در تولید واقعی بکار بگیرد. ما هنوز نتوانستیم این اطمینان را به سرمایه‌گذار بدهیم. مجلس باید این ضمانت را بدهد. افرادی که مایل به سرمایه‌گذاری هستند، اغلب می‌گویند اطمینان نداریم که فرضاً فردا طرحی امضاء نمی‌شود که زمینهای بالای ۵۰ هکتار از مردم گرفته شود. می‌گویند ممکن است که الان قانونی خلاف سرمایه‌گذاری وجود نداشته باشد، ولی این اطمینان هم وجود ندارد که چنین قانونی بوجود نیاید. و این مانع سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است.

